

تخصص بی تعهد یعنی کالبد بدون روح

۶ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۰:۱۹

حاج حیدر رحیم پور ازغدی از مبارزان سیاسی و همراهان نهضت امام خمینی است. ایشان در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت و قیام امام روح الله در سال ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب حضور قابل توجه و تاثیرگذاری به خصوص در شهر مشهد به عنوان یکی از کانونهای اصلی حرکت‌های مردمی داشته است. ازغدی پیش از انقلاب به همراه محمد تقی شریعتی و پدر مسعود احمدزاده (از بنیانگذاران چریک‌های فدائیان خلق)، سه رکن مبارزات نهضت ملی در خراسان محسوب می‌شدند. وی از اعضای نهضت آزادی ایران در سال‌های قبل و آغاز انقلاب در منطقه خراسان بود که با پیروزی انقلاب و اختلاف نهضت آزادی با امام خمینی به نفع امام و انقلاب از نهضت جدا شد. کتاب «از انجمن پیروان قرآن تا انجمن حجتیه» سیر تحول انجمن‌های دینی از شهریور ۱۳۲۰ یکی از آثار مکتوب ایشان است. تاکنون می‌باشد. وی پدر حسن رحیم پور ازغدی از اندیشمندان ایرانی است. تجربه استاد رحیم پور در مواجهه با جریان‌ات گوناگون سیاسی و حضور ایشان در در بطن تحولات قبل و پس از انقلاب بر آن شدیم تا رابطه میان دو مفهوم تعهد و تخصص را در گفتگو با ایشان به بحث و تبادل نظر بگذاریم.

تعریف شما از دو مفهوم تعهد و تخصص چیست؟

اگر این دو مقوله را به یک موجود زنده تشبیه کنیم، تخصص را باید جسم و تعهد را روح حلول یافته در آن جسم نظر بگیریم. حال سوال این است که آیا جسم بی روح کاربردی دارد؟ قطع به یقین ندارد. اگر در جایی شاهد حضور توامان هر دو عامل تخصص و تعهد بودیم در آنجاست که انسان می‌تواند انتظار یک کار خوب را بکشد. هیچ کدام از این دو مفهوم نمی‌توانند به تنهایی برای جامعه و انسان مطلوبیت کامل را برآورده سازند به عبارت دیگر تنها با در کنار هم قرار گرفتن این دو عامل است که امور در حوزه های گوناگون به خوبی پیش خواهد رفت. این امر در تمام زمینه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سیاسی مصداق دارد.

به نظر شما هیچ کدام از این دو مفهوم نسبت به هم اولویت و تقدم ندارند؟

به طور قطع نمی‌توان گفت که کدام بر کدام یکی اولویت دارد بلکه باید گفت که ارتباط این دو با هم صد درصد است. اگر در یک جامعه ای یکی از این مفاهیم اهمیت و اولویت بیشتری پیدا کند چه اتفاقی پیش خواهد آمد؟، اگر تنها و تنها یکی از این دو امر

در اولویت و تقدم قرار بگیرد مشکلات بسیاری را در پی خواهد داشت. به طور مثال اگر تخصص را در اولویت قرار دهیم وقایعی پیش خواهد آمد که مورد استقبال کشورهای بیگانه به خصوص اسرائیل و آمریکا قرار خواهد گرفت و آنها از تخصص بدون تعهد خوششان می آید. از سوی دیگر اگر تعهد را اولویت ببخشیم و به تخصص واقعی ننهیم آنجاست که ارتجاع ظهور خواهد کرد و اندیشه های مقدس مابانه خشک و بی فایده در جامعه همه گیر شود. به عبارت دیگر تمرکز تنها بر هر کدام از این عوامل به تنهایی نه تنها در مجموع ثمرات مثبتی را در بر نخواهد داشت بلکه قطعاً زیان و آسیبهایش از ثمراتش بیشتر خواهد بود.

این دو مفهوم در اندیشه علمای دینی و به خصوص علمای شیعی چگونه مورد توجه قرار گرفته است؟

در شیعه گفته می شود که اجتهاد بر پایه مکتب قرار می گیرد و اجتهاد یعنی تخصص و مکتب یعنی تعهد، یعنی در نزد علما شیعه این مفاهیم در کنار هم و در راستای یک دیگر مورد توجه قرار گرفته اند و هیچکدام به تنهایی نمی تواند مورد بررسی قرار گیرد. اگر قرار بر تخصص تنها باشد که متخصصین در دنیا خیلی هستند اما ضد بشریت کار می کنند شما می دانید که خیلی از این تروریست ها بر پایه تعهد آدم می کشند.

یعنی شما می فرمایید که در یک جامعه تعهد و تخصص باید در یک راستا حرکت کنند؟

بله، وقتی که این دو می گویم روح و جسم هستند به این معناست که بدون یکی از این مفاهیم وجود دیگری بی معناست. یعنی بقا و نمود خارجی داشتن هر کدام از این دو در گرو بودن و وجود دیگری است.

به نظر شما این دو مفهوم چه جایگاهی در اندیشه امام خمینی داشته است؟

رابطه این دو مفهوم در اندیشه امام خمینی رهبر کبیر انقلاب ایران به شکل کامل و متعالی خودش تجلی پیدا کرده است. اصلاً نه تنها در حوزه اندیشه بلکه در حوزه عمل هم این دو مفهوم به طور کامل در رفتار امام خمینی متجلی بود. امام خمینی وقتی که می خواست گروهی را برای رهبری یک مجموعه انتخاب کند بهترین ها را انتخاب می کرد همانگونه که قرآن گفته بسیار مشورت می کرد وقتی که حرکت می کرد با توکل بر خدا گام بر می داشت. مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای هم همینگونه است و در حوزه مدیریت بسیار قوی و باصلابت ظاهر شده است.

در یک جامعه ایده آل و مطلوب نگاه به تخصص و تعهد چگونه باید باشد؟

در یک جامعه ایده آل اولاً باید شایسته سالاری حاکم باشد یعنی کسی که شایسته یک کاری هست بتواند در جای خود و با توجه به تخصص خود قرار بگیرد. همچنین این فرد شایسته باید به لحاظ تعهد به ارزش ها نیز مورد بررسی قرار گیرد تا فردی غیر متعهد در مقابل مردم قرار نگیرد. مسئولان وقتی که تخصص یا تعهد ندارند حق ندارند که مسئولیتی به عهده بگیرند منتها اگر بگیرند آنوقت است که آن عمل حرام اندر حرام است.

جایگاه تعهد و تخصص را در جامعه امروزی ما چگونه می بینید؟

در جامعه ما بعضی ها تنها متعهد هستند و برخی دیگر تنها متخصص، به همین دلیل است که بسیاری از کارها مان لنگ می زند. چرا که کسی که ادعا می کند متخصص است در حوزه تخصص خود ضعیف است و کسی که تخصص کامل دارد تعهد کمی دارد و این یک آسیب مهم در جامعه ماست که باید مورد شناسایی قرار گیرد. اصلاً یکی از بدبختی های ایران این است که مدیران ما تعهد و تخصص کافی ندارند. به نظر من احمدی نژاد آدم بدی نبود ولی در بعضی جاها اشتباهاتی ناشی از بی تخصصی داشت. پس باید توجه داشت که در جامعه ما این مشکلی اساسی است.

نسبت رئیس جمهوران ایران بعد از انقلاب را با دو مفهوم تعهد و تخصص را چگونه ارزیابی می کنید؟

به نظر من شهید رجایی و آیت الله خامنه ای خوب بودند ولی اینها هم در زمانه پر مشکلی زندگی می کردند که نمی توانستند به اهداف خود خوب برسند...

مثلاً چه مشکلاتی می شود نام ببرید؟

مشکلاتی مانند روشنفکران، مجاهدان، آمریکا، ارتجاع و... نسل شما آن روزها را به یاد ندارند که این گروه ها چه کارهایی می کردند و چه سنگ اندازی هایی داشتند اما در ادامه کسی مانند هاشمی را داشتیم که فکر قوی ای داشت اما مشکلات دیگری داشت که بعدا نمود پیدا کردند. خاتمی هم که اصلا در بازی نبود چند نفر دورشان بودند که مسائل کشور را می گرداندند. احمدی نژاد خودش پسر خوبی بود اما متاسفانه یک مشت کلاهبردار و انسان نادرست اطرافش را گرفته بودند که نمی گذاشتند او کارها را خوب انجام دهد.

اگر به طور مثال یک پزشک بسیار متخصص اما بی تعهد وجود داشته باشد چه تبعات منفی برای جامعه ما دارد؟

ببینید اگر این قضیه گسترش پیدا کند وجود آن پزشک نه تنها باعث برکت نمی شود بلکه مضر هم هست که نباید اصلا وجود داشته باشد. عکس این قضا هم صادق است شما پزشکی را می بینید که خوش اخلاق است ولی برای یک بیماری ساده افراد را با تجویز قرص های نامربوط مریض می کند. شما نگاه کنید به ائمه ما در طول تاریخ که دانا ترین، آگاه ترین و متقی ترین مردمان زمان خود بودند. اصلا ماجرای غدیر خم همین بود که خداوند خواست به پیامبر بگوید جانشین بعد از تو چگونه باید باشد که در ادامه یک عده آمدند و امامت را تبدیل به خلافت کردند و ۲۰ سال بعد تبدیل شد به سلطنت امویان، که از هر سلطانی بدتر و ظالم تر بودند. به همین دلیل می توان گفت که در جامعه اسلامی آن دوران تعهد به امر خدا رخت بر بست و نتایجش هم در تاریخ خود را نشان داد.

شما چه پیشنهادی دارید برای مسئولان کشور که بتوانند این دو مفهوم را باهم به طور مطلوب پیش ببرند؟

بگذارید من از خودم شروع کنم. من از حدود ۱۲ سالگی وارد سیاست شده ام در نهضت ملی شدن صنعت نفت هم بوده ام و از زمانی که امام نهضت خود را آغاز کرد جزء اولین کسانی بودم که با امام در قم بیعت کردم در همه مراحل پنهان و آشکار من در تحولات معاصر بوده ام مهمترین چیزی که من فهمیده ام این است که اگر در مسائل مدیریتی کشور مومن و مسلمان نباشند اصلا نمی توان نه صحبتی از تعهد و نه تخصص کرد به همین دلیل مهمترین درخواست من از مسئولین کشور در قبال این دو مقوله مومن و مسلمان بودن هر چه بیشتر آنهاست.

آدرس مطلب :

